



# اصول انتخاب درست

شاه جمالی - درس سوم



به طور معمول انسان در هر لحظه از زندگی خود **گزینه های متعددی** دارد که باید از میان آنها یکی را **انتخاب** کند. در تصمیم گیری های منطقی، افراد **هزینه ها و منافع** گزینه های مختلف را باهم مقایسه و بهترین آنها را انتخاب می کنند. اما این انتخاب منطقی در برخی موارد سخت و پیچیده می شود و جنبه های گوناگونی پیدا می کند.



**آنچه ما در این فصل خواهیم آموخت:**

**بیاموزیم هزینه ها و منافع انتخاب های خود را باهم مقایسه کنیم؛  
بیاموزیم در انتخاب ها و تصمیم های خود، هزینه های فرصت، منابع کمیاب،  
هزینه های دررفته و قید بودجه را در نظر بگیریم.**

چرا افراد در اکثر مواقع، کاری را که انتخاب کرده‌اند در انجام آن رضایت کمتری دارند؟

زیرا به نظرشان آن چه که باید در مقابل آن از دست بدهند، بسیار با ارزش‌تر از آن چیزی است که بدست می‌آورند.

باید قبل از هر تصمیمی در انتخاب کسب و کار، اصولی را رعایت کنیم:

✓ ۱- هزینه فرصت هر انتخاب را محاسبه کنیم.

✓ ۲- منابع کمیاب خود را شناسایی کنیم

✓ ۳- قید بودجه خود را ترسیم کنیم.

✓ ۴- هزینه های در رفته را فراموش کنیم.

✓ ۵- بین هزینه ها و منافع مقایسه کنیم.

## اصل اول: هزینه فرصت

سینما رفتن برای شما چه هزینه هایی دارد؟ ممکن است بگویید که هزینه آن پولی است که برای بلیت پرداخت می شود

اگر قیمت بلیط ۱۰ هزار تومان باشد، این هزینه رفتن به سینما است. یعنی ۱۰ هزار تومان برای خریدهای دیگر پول کم دارید.

اما

دانش اقتصاد از مفهوم کامل تری برای تفکر درباره هزینه ها استفاده می کند.

## اصل اول: هزینه فرصت

آن مفهوم، **هزینه فرصت** است.

هر تصمیم گیری و انتخاب هزینه ای دارد که با هر تصمیم یک گزینه را انتخاب

می کنیم و بقیه فرصت ها را از دست می دهیم. **پس:**

**هزینه فرصت یک انتخاب ارزش بهترین گزینه بعدی است که شما آن را هنگام**

**انتخاب از دست داده اید.**

در مثال بالا هزینه سینما رفتن علاوه بر پول پرداختی توسط شما، **زمانی** است

**که می توانید برای کارهای دیگر صرف کنید.**

## اصل اول: هزینه فرصت

بهترین و باارزش ترین گزینه ی بعدی که با این انتخاب (یعنی سینما رفتن) از دست دادیم هزینه فرصت انتخاب ماست. (یعنی پارک رفتن با دوستان را از دست دادیم) به دلیل وجود کمیابی در امکانات و داشته ها، همیشه باید بین گزینه های انتخاب، بده بستن کرد.

بده بستن = یعنی چیزی را رها می کنید تا چیز دیگری را به دست آورید



## اصل دوم: منابع کمیاب

۱- منابع طبیعی: منابع و عواملی که در طبیعت وجود دارد مثل چوب درختان، زمین و ...  
۲- سرمایه: انسان برای بهره برداری از منابع طبیعی علاوه بر کار به سرمایه نیاز دارد که به دو دسته تقسیم شده:

الف: سرمایه مالی یعنی پولی که به صورت منابع مالی وارد تولید میشود.

ب: فیزیکی: تجهیزات فیزیکی و ابزار آلات و ماشین آلات

۳- نیروی انسانی: نیروی کاری که در تولید نقش دارد (تا تلاش انسان نباشد منابع و سرمایه قابلیت استفاده ندارند)

و به سه نوع تقسیم می شود: ۱- نیروی کار ساده ۲- نیروی کار نیمه ماهر ۳- نیروی کار ماهر و متخصص

## اصل دوم: منابع کمیاب

بسیار اتفاق می افتد که در جایی همه ی عوامل تولید وجود دارد و نیاز یا خواسته بر آورده نشده ای هم هست، ولی

کار آفرینی که آن کسب و کار را راه انداخته و نیاز مورد نظر را پاسخ دهد، وجود ندارد.

کار آفرینان در جست و جوی فعالیت های سود آور هستند، بنابراین عوامل تولید شامل نیروی کار، سرمایه ها و منابع طبیعی را گرد هم می آورند تا با تولید کالاها و خدمات:

۱- نیازها و خواسته های دیگران را بر آورده کنند ۲- کسب در آمد کنند

کار آفرینی: تمایل افراد به سازماندهی و عملیاتی کردن کسب و کارهای جدید با پذیرش خطر عدم موفقیت است.

## اصل دوم: منابع کمیاب

اجتماع نیز همانند افراد امکانات، منابع و داشته های کمیابی دارند و با انتخاب و بده بستن روبه رو هستند.

کمیابی منابع هر جامعه را با مبادله مواجه می سازد

زیرادر هر نقطه از زمان، هر کشور مقدار معینی از نیروکار، زمین قابل بهره ی برداری، سرمایه ی انسانی و فیزیکی و تعدادی کار آفرین دارد .. اگر منابع بیشتری برای تولید یک کالا و خدمات اختصاص داده شود، منابع کمتری برای تولید کالا و خدمات دیگر باقی می ماند . پس تصمیم برای داشتن کالا و خدمات بیشتر به معنای از دست دادن کالاها و خدمات دیگر است ( هزینه فرصت)

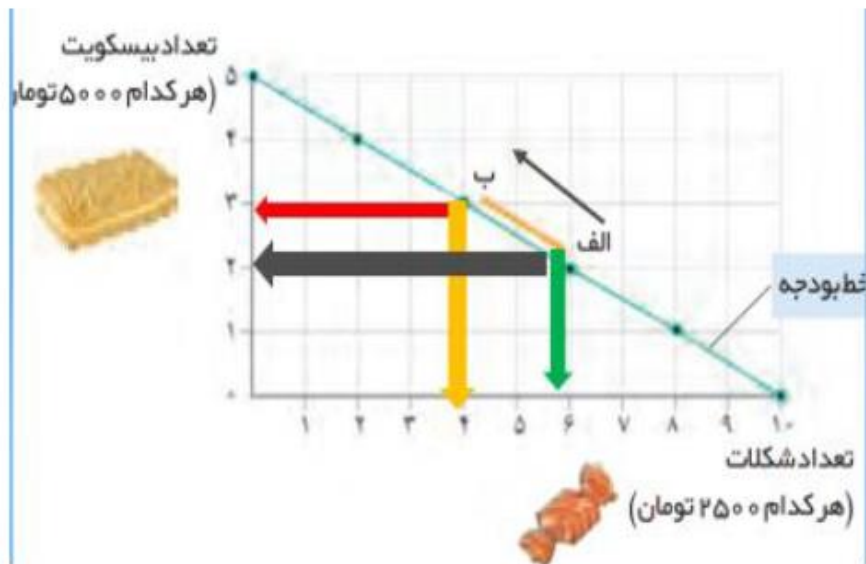
## اصل دوم: منابع کمیاب

مثال:

. برای ساختن دوچرخه بیشتر، کارخانه لاستیک بیشتری به منظور تولید چرخ، فلز بیشتری برای اسکلت دوچرخه و زمین بیشتری برای سالن های کارخانه لازم است. همچنین نیاز بیشتری به سرمایه برای ساختن ماشین آلات سازنده اسکلت و قطعات دوچرخه، نیروی کار برای سرهم کردن و فروش دوچرخه و کارآفرین برای راه اندازی شغل دوچرخه سازی خواهیم داشت. منابعی که در کارخانه دوچرخه سازی استفاده می شود، نیازمند استفاده از تولیدات چیزهای دیگر مثل رایانه ها و خودروها هم هستند تصمیم برای داشتن دوچرخه بیشتر به معنای از دست دادن فرصت تولید کالاهای دیگر است.

## اصل سوم: قید بودجه

قید بودجه: مقدار مشخص و محدود پول که یک فرد برای خرج کردن دارد.  
به دلیل اینکه بودجه محدود است، افراد مجبورند بین گزینه های خود بده بستان کنند.



در نقطه ی الف ۶ شکلات و ۲ بیسکویت میتوان داشت  
در نقطه ب ۴ شکلات و ۳ بیسکویت میتوان داشت  
اگر از نقطه ی الف به نقطه ی ب حرکت کنید  
از تعداد شکلاتها کم و به تعداد بیسکویتها اضافه می شود  
یعنی از ۶ شکلات به ۴ شکلات کاهش یافته و از ۲ بیسکویت به  
۳ بیسکویت افزایش می یابد و برعکس

## اصل چهارم: هزینه های دررفته را فراموش کنید.

هزینه هایی که پرداخت شده و دیگر قابل برگشت نیستند و مهم نیستند.

مفهوم هزینه های دررفته را می توانید پولی تصور کنید که به یک چاه عمیق افتاده و دیگر قابل دسترس نیست

فرض کنید برای تماشای تئاتری یک بلیت ۳۰,۰۰۰ تومانی هزینه کرده اید. در دقایق ابتدایی متوجه می شوید

که

نمایش را دوست ندارید و از سالن تئاتر خارج می شوید اگر برنامه را ترک کنید می توانید بلیت فیلم تهیه کنید

و

وقت باقی مانده را به تماشای فیلم بگذرانید. است. هزینه فرصت رفتن به سینما چیست؟

## اصل چهارم: هزینه های دررفته را فراموش کنید.

فرض کنید از سالن تئاتر بیرون آمدید و به سینما رفتید و یک بلیط به قیمت ۲۰,۰۰۰ تومان میخرید تا زمانتان هدر نرود

هزینه ی دررفته ۳۰,۰۰۰ تومان قیمت تئاتری است که از دست رفته و غیر قابل بازگشت است.

هزینه فرصت انتخاب بلیط سینما ۲۰,۰۰۰ تومانی است که با آن بلیط خریدیم چون می توانست خرج چیز

دیگر شود

پس هزینه فرصت سینما رفتن ۲۰ هزار تومان است؛ یعنی هزینه ای که برای ترک تئاتر و رفتن به سینما از دست

می دهید (نه سی هزار تومانی که بابت بلیط تئاتر داده اید)

## اصل چهارم: هزینه های دررفته را فراموش کنید.

تنها هزینه ای که بر تصمیم گیریتان مؤثر است چیست؟

هزینه هایی است که در زمان تصمیم گیری شما به وجود می آیند.

برای اینکه یک تصمیم خوب بگیرید چه باید کرد؟

تشخیص تفاوت هزینه هایی که بر تصمیم شما تأثیر گذارند، بسیار مهم اند



## اصل پنجم: هزینه ها و منافع خود را مقایسه کنید

برای اینکه تصمیم گیری منطقی باشد باید:

۱- بدانیم چطور هزینه ها را ارزیابی کنیم - ۲ تمام منافع را با تمام هزینه ها مقایسه کنیم

و در نهایت به این نتیجه برسید که در گزینه ای که شما انتخاب کرده اید، منافع بیشتر از هزینه هاست.

\* مقایسه منافع و هزینه ها بخشی از تصمیم گیری منطقی است. اما بهترین رویکرد به نوع تصمیم شما بستگی

دارد.

## اصل پنجم: هزینه ها و منافع خود را مقایسه کنید

توجه به چند نکته :

- همیشه مقایسه ی هزینه ها و منافع بر اساس اطلاعاتی که از آنها داریم، انجام می گیرد.
  - **دو نوع گسترده از انواع تصمیمات وجود دارد**
    - ۱- اولین دسته به یک انتخاب از میان گزینه های مختلف می پردازد ( مطالعه کنیم یا به گردش برویم)
    - ۲- دسته ی دیگر به انتخاب چه مقدار از هر چیز اشاره می کند ( میزان مطالعه یا مدت زمان گردش)
- نتیجه : شرکت ها هم مجبور هستند تا درباره چیزهایی مثل اینکه چقدر تولید کنند یا چه تعداد نیروی کار استخدام کنند، تصمیم گیری کنند .

## چرا برخی مردم تصمیمات اشتباه می گیرند؟

چون گرفتار امیال و هوس های خود شده اند و دیگر به هزینه فایده توجهی نمی کند.

پنج اشتباه رایج در تصمیم گیری: ۱- اثرگذاری حقه های فروش بر تصمیم گیری ها: وقتی فقط به دلیل اینکه

حراج یا فروش ویژه اعلام شده خرید میکنیم

۲- توجه به هزینه های در رفته:

: وقتی غذایی را که سفارش داده شده دوست ندارید؛ اما به خاطر پولی که داده ایم مجبوریم بخوریم

۳- بی صبری زیاد: برای تأمین هزینه ها زیر بار قرض میروند به جای صبر در تحصیل و یادگیری و بهره مندی

از منافع آتی آن، سراغ کارهای کم ارزش آنی می رویم

## چرا برخی مردم تصمیمات اشتباه می گیرند؟

۴. اعتماد به نفس بیش از حد یا خودرأی بودن :

خوشبینی زیاد درباره در آمد آینده و پس انداز کمتر برای نیازهای آتی) بدون تحقیق و سرمایه دست به تولید

می زند

۵. چسبیدن به وضعیت فعلی :

چسبیدن به وضعیت فعلی و پرهیز از بررسی گزینه های جدید با رویکرد منطقی هزینه فایده

مثلا راننده ی آژانسی که میتواند با اسنپ کار کند ولی از این امر غافل شده و مشتری از دست می دهد.